

## An article about a group exhibition titled Oseferi- Unit 8- Elan Magazine- Issue 2- 2024

یادداشتی درباره نمایشگاه گروهی با عنوان «اوسفریت-واحد ۸» به کیوریتوری غزال زارع در گالری دیدار- ۱۴۰۳

نویسنده: سارا ساسانی

### سفره‌های راوی در واحد ۸

پرداختن به بسترهایی همچون فرهنگ عامه با پس‌زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، تولید اثر یا اثرات هنری در قالب یک مجموعه کیوریتوریال در هنر ضروری و به‌جا به نظر می‌رسد.

بنابر نوشته‌های نویسندگان اوایل دوره اسلامی، ایرانیان باستان در بیش‌تر جشن‌ها، مراسم و آیین‌ها خوان یا خوان-چهای را می‌گسترانیدند. سفره در محلی خاص از خانه یا تالار عمومی، به‌طور معمول کمی مایل به سمت شرق، رو به سوی طلوع خورشید پهن می‌شد. پیش از آن محل موردنظر را باید تمیز و پاکیزه می‌کردند. سفره مراسم بر صفه یا میزی بلندتر از سطح زمین گسترده می‌شد و از قداست فراوانی نزد ایرانیان باستان برخوردار بود، زیرا آنان می‌پنداشتند که ظرف(اشیاء) و مظروف(محتوا) آیینی در سفره هر یک نمادی از جلوه‌های اهورامزدا است. سفره به‌رنگ سفید انتخاب می‌شد. چون این رنگ را نشانه و سمبل امشاسپند سپندارمذ می‌دانستند. به همین خاطر پارچه سفره را از بهترین بافته‌ها تهیه می‌کردند. انتخاب ظرف‌ها و چیدن خوراکی‌ها در سفره، شکوه و آراستگی آن را دو چندان می‌کرد. برخی از وسایل درون سفره به‌طور معمول در بیش‌تر سفره‌های آیینی به صورت ثابت و همیشگی دیده می‌شد، نظیر: کتاب مقدس، شمعدان با شمع روشن یا چراغ روشن، آب، آینه، گلابدان، گل و گیاه مرتبط با هر فصل، ظرفی از میوه‌های فصل، سینی خشکبار و آجیل ویژه مراسم، تشتی پر از آتش با ظرفی از چوب‌ها یا دانه‌های خوش‌بوکننده هوا مانند اسپند، سایر نُسایل سفره با توجه به نوع آیین متغیر بود. سفره به‌عنوان یکی از مولفه‌های اصلی در فرهنگ عامیانه با مشتقاتی مختلف کلماتی مانند همسفره، سفرمدار، سفرمنشین، سفرخانه، سفرچی و... را می‌سازد که نشان از اهمیت آیین‌های جمعی و مشارکتی در غذا خوردن

در فرهنگ های سنتی ایرانی است. در حقیقت در گذشته گسترانیدن سفره‌ها با نام‌های مختلف همچون؛ سفره نذری، سفره عقد، سفره هفت‌سین همه برای تجدید دیدارها و گردهم آمدن دوباره اقوام و دوستان در دوره‌ای بود که وسایل ارتباط جمعی وجود نداشت و همسفره شدن یکی از مهم‌ترین آیین‌ها برای پیوستن انسان‌ها به یکدیگر در اجتماعی منتخب و تداوم همبستگی میان وابستگان بود.

غزال زارع در پروژه‌های کیوریتوریل با عنوان «اوسفریت- واحد ۸» با محوریت فرهنگ عامه؛ (مطالعه موردی سفره)، باز هم به موضوعی با محوریت فرهنگ عامه پرداخته است. او پس از پرداختن به پروژه ملامین با عنوان «افتاد ولی نشکست»، با پژوهش سه ساله در مورد و نقش آن و همچنین چگونگی حضور آن در فرهنگ مردم ایران پروژه‌های بلندمدت را تعریف می‌کند که در نمایشگاهی گروهی با همین عنوان در گالری دیدار ارائه می‌شود.

پروژه «سفره» با تعامل با هنرمند و پشتوانه پژوهشی در مدت بیش از دو سال به سرانجام می‌رسد؛ ایمان راد، المیرا ابوالحسنی، غزال زارع، سارا کشمیری، ستاره حسینی، سارا ساسانی، افسانه سلیمیپاتی، آنتینا هاشمی مقدم، مریم و المیرا بنی‌اردلان، سمیرا پهلوانی، فریده عبادی هنرمندان این نمایشگاه گروهی هستند که با گفت و گوها و نشست‌های متعدد با کیوریتور در نهایت آثار خود را در این پروژه تولید و ارائه کردند.

پرداختن به بسترهایی همچون فرهنگ عامه با پس‌زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، تولید اثر یا اثرات هنری در قالب یک مجموعه کیوریتوریل در هنر ضروری و به‌جا به نظر می‌رسد. زارع در مجموعه جدید با عنوان سفره در نگاه اول به بخشی مهم و جلوه‌گر از فرهنگ عامه پرداخته است اما با نگاهی به طبقه و توان اقتصادی مردم جامعه و همچنین با رویکردی جامعه‌شناختی موقعیت سفره‌هایی را تصویر می‌کند که در مناسبات مختلف خانوادگی و اجتماعی گسترانیده می‌شود؛ همچون سفره عقد و سفره نذری. محتویات سفره، نوع گسترانیدن آن، افراد ارتزاق‌کننده از آن؛ همه از پارادایم‌هایی هستند که به میدان‌های اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارند.

نحوه گسترانیدن سفره -اشاره به تعداد افراد مصرف‌کننده از آن- و محتویات سفره -شامل خوراکی‌ها و نوع ظروف حاضر در سفره- به میدان اقتصادی مربوط است و نشان از سطح و طبقه اقتصادی بانی آن دارد. از سوی دیگر افرادی که به عنوان مهمان دور آن سفره حاضر می‌شوند بسته به طبقه و پایگاه اجتماعی‌شان متفاوت خواهد بود؛ در کنار سفره‌ای که طبقه فرادست می‌گستراند هیچ‌گاه طبقه فرودست و

در اکثر موارد طبقه متوسط اجازه حضور ندارد، پس افرادی که برای ارتزاق از سفره‌ای که گسترانیده شده است مخاطب قرار می‌گیرند بسته به طبقه اجتماعی‌شان انتخاب و دعوت می‌شوند. بنابراین نوع و نحوه گسترانیدن سفره‌ها به‌طور مستقیم به طبقه اجتماعی افراد مرتبط است.

از آنجایی که در گذشته مواد اولیه خوراکی‌ها و نحوه طبخ غذاها به سختی تهیه و انجام می‌شد سفره از و غذاهای محتوی آن بسیار ارزشمند بودند و سفره حرمت داشت و برکت محسوب می‌شد و هر فردی که قصد مهمان‌نوازی داشت حتما سفره‌ای از خوراکی‌های مختلف برای مهمان می‌گسترانید و مهمان برای حفظ حرمت سفره می‌بایست بر سر آن بنشیند حتی اگر میل به غذا نداشت، مهمان‌ها نیز برکت سفره محسوب می‌شدند و بر اساس یک باور قدیمی؛ خدا روزی هر کسی را می‌دهد، پس صاحب سفره نگران اضافه شدن تعداد مهمان‌های ناخوانده نبود و نشستن بر سر سفره را قضا و قدر می‌دانستند و آن را به قسمت مهمان نسبت می‌دادند. از طرفی سفره‌دار بودن به معنای همیشه مهمان‌دار بودن و همه‌وقت آماده بودن برای پذیرایی از مهمان، آبرو بانی و صاحب سفره به حساب می‌آمده است.

در مجموعه سفره به کیوریتوری غزال زارع آثار تولید شده اغلب به شکلی متفاوت به موضوع سفره پرداخته‌اند. این آثار که بیشتر در قالب چیدمان (Installation) هستند با بیانی صریح‌تر که از ویژگی این مدیوم است، موضوع سفره را مورد بازنمایی قرار می‌دهند. در میان آثار، دو اثر نیز در قالب ویدئو و عکس نیز ارائه شده است. مجموعه «سفره قلمکاری مادر بزرگ» اثر سارا کشمیری شامل ویدئویی است که از سفره‌ها و مهمانی‌ها در گذشته نه چندان دور حکایت می‌کند. بازگشت به گذشته و بیرون کشیدن روایتی که در گذشته رخ داده است یکی از شیوه‌های درست اشاره به موضوعی پراهمیت در فرهنگ عامه است، اشاره‌ای که مخاطب را به نقطه‌ای در تاریخ پرتاب می‌کند که روایتی واقعی از رخدادی در همان نقطه از تاریخ می‌کند. ایستادن در برابر اثر کشمیری و تأمل در آن مخاطب را برای لحظاتی غرق در گذشته‌ای می‌کند که اغلب تجربه کرده‌اند. نمایش ویدئویی عمداً بی‌صدا انتخاب خوبی است چراکه مخاطب با توجه به تجربه زیسته خود می‌تواند هر صدایی حاکی از داستانی از گذشته خودش را بر روی آن بگذارد و بشنود؛ داستانی متعلق به بخشی از تاریخ شخصی‌شده. در دیگر مجموعه که عکس‌هایی دستکاری‌شده از سفره‌هایی است که دیگر نیست با درونمایه‌ای مشابه اثر کشمیری از مریم و میترا اردلان، عکس‌هایی از ضیافت مهمانی‌ها نمایش داده شده است که از آرشیو عکس‌های خانوادگی انتخاب و جمع‌آوری شده است. خواهران اردلان در این مجموعه چیزی را به عکس‌های سیاه و سفید اضافه کرده‌اند؛ یک تاش رنگی بر روی عنصری از عکس که امروز دیگر وجود ندارد یا بسیار کمتر دیده می‌شود. این عنصر که

دوباره توسط هنرمند مورد اهمیت قرار می‌گیرد سفره‌هایی است که در گذشته در فرهنگ این مرز و بوم به آن اهمیت داده می‌شده است. بازنمایی و در حقیقت بازپرداخت به عنصر، رخداد و روایتی در گذشته که دیگر «امروز» فاقد آن شده است یا کم‌اهمیت جلوه می‌کند یکی از وظایف هنر است؛ هنری که پرداختن به فرهنگ عامه، فراموش‌شده را ضروری می‌داند.

و البته یک نسخه پرینت شده از آثار ایمان راد که اصل اثر در موزه‌ای در لندن (British Museum) نگهداری می‌شود که با کسب اجازه و توافق هنرمند در این پروژه گروهی به عنوان یک نمونه پژوهشی ارائه شده و در این مجموعه قرار داده شده است.

دیگر آثاری که در این مجموعه حضور دارند در مدیوم چیدمان قابل تقسیم‌بندی و بررسی هستند. اغلب این آثار به از ابعاد مختلفی به موضوع سفره پرداخته‌اند. سمیرا ابوالحسینی در اثرش با عنوان «مازلو» که اثری چیدمانی با متریالی همچون سفره پلاستیکی، شیشه دست‌ساز، رزین و رنگ است به ساختن سفره‌ای پرداخته است و روی آن چند کالای خوراکی مشخص را با قیمت‌های آن در دوره‌های مختلف نوشته است و با رویکردی انتقادی به وضعیت معیشت مردم در سال‌های اخیر سعی در نشان دادن پدیده کوچک شدن سفره‌ها بر اثر رشد بی‌رویه تورم و کاهش توان تأمین معاش از سوی مردم دارد. او با اشاره به هرم مازلو سعی دارد با اثرش نشان دهد بیشتر مردم تنها برای تأمین نیازهای اولیه در قاعده هرم به سختی کار و زندگی می‌کنند و سفره مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود.

زارع نیز اثری چیدمانی، با ارائه‌ای کارگاهی را در این مجموعه به نمایش درآورده است. او با بازگشتی به زندگی شخصی خود و به عنوان هنرمند و همچنین با توجه به اینکه سال‌های اخیر به پرستاری از مادرش پرداخته است و ایده پروژه سفره نیز در همین ارتباط شکل می‌گیرد. از آنجایی که مادر هنرمند در طی سال‌های اخیر با تجربه سالمندی و پیامدهای آن به سختی دست و پنجه نرم کرده است، غزال به عکاسی از تمام غذاهایی که در طول سه سال گذشته برای مادر آماده و طبخ می‌کرده عکاسی می‌کند و این تصاویر را به همراه موتیو‌هایی برجامانده از سفره‌های پارچه‌ای و پلاستیکی استفاده که در گذشته‌ای نه چندان دور در مراسم‌ها و وعده‌های غذایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این تصاویر و موتیف‌ها بر روی پارچه‌هایی با فرمت و اندازه سفره‌های ایرانی چاپ شده است و روی دیوار نصب و همچنین روی میز گسترانیده شده است. غزال از مخاطبان می‌خواهد برچسب‌های رنگی که از پیش تهیه شده است را با توجه به راهنمایی که در مقدمه اثرش قرار دارد روی نقشینه‌های سفره‌ها بچسبانند. این برچسب‌ها با توجه به

رنگ‌های مختلفی که دارند نقشه راهی است برای آسایش بیشتر و تمرکز مادری سالمند در منزل که او بتواند انواع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را از سرد و گرم و غیره را از یکدیگر تمیز و تشخیص دهد.

فریده عبادی نیز همچون بسیاری از آثار قبلی‌اش دست به ارائه اثری از نوع بافته‌های پارچه‌ای (تاپستری) می‌زند او بافته و بافتن را نمادی از سفره‌های پارچه‌ای می‌داند که در گذشته بسیار مرسوم بوده است. این اثر با عنوان (قلم+کار) متشکل از قطعات ریزی است که طی سالیان از اجرای کارها به‌جا مانده‌است. او در این بافته به غذاهایی اشاره دارد که منابع آن و ذرات تشکیل‌دهنده آن مشخص نیست. سمیرا پهلوانی با اثری در دو قاب با عنوان «روایت» به جزئیاتی از سفره پرداخته است. جزئیاتی از یک بشقاب شکسته که با نقشی از قلاب‌بافی گویی بندزده شده است و همچنین لبه سفره‌ای پارچه‌ای با نواری توری قلاب بافی شده را به نمایش گذاشته است. او با این دو تکه از یک کل که همان سفره و متعلقات آن است سعی در بیان روایتی دارد که امروز بستر وقوع دوباره آن وجود ندارد. در دو دهه اخیر به دلیل گرایش مردم به زندگی با سرعت بسیار زیاد و استفاده از حاضر آماده‌ها، دیگر گسترانیدن سفره‌ها در طول خانه‌ها بر روی زمین به رسم فرهنگ عامه که دلالت بر یک آیین جمعی دارد کمتر به چشم می‌خورد؛ گویی بساط سفره‌های رنگین ایرانی برچیده شده است و جای خود را به میزهای کوچک و خوردن و آشامیدنی فردی و سریع و سیر داده است. پس دیگر سفره‌ای نیست که در آن رخدادی اتفاق بیفتد و به دست تاریخ، روایتی شکل بگیرد. اثر پهلوانی از آن جهت اهمیت دارد که به دوره‌ای اشاره می‌کند که امروز، تاریخ آن به سر آمده است و دیگر اثری از آن نیست.

در اثر دیگری با عنوان «ظرف آبنبات» متعلق به ستاره حسینی با گونه‌ای دیگری از بازگشت به گذشته مواجه هستیم. هنرمند در این اثر به عنوان یک تک عکس زنی را با ظرف شیشه‌ای سبزرنگی در دست نشان می‌دهد. این ظرف با این جنس و رنگ متعلق به دوره‌ای از گذشته است. پس به کار بستن این ظرف در این اثر خود از اساس نشان از ابژه‌ای در گذشته دارد، حسینی سعی در بازنمایی وابستگی انسان به ظروف و اشیاء اطراف دارد. او بر این باور است که با فاصله گرفتن از برخی ظروف و اشیاء که روزگاری بسیار به آن وابسته بوده‌ایم و بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفتند، میزان وابستگی انسان به اشیاء اطراف بروز و ظهور می‌کند. پس اشیاء روح دارند به‌ویژه اشیایی که در بخشی از خاطره جمعی ما حضور دارند همانند سفره داری که دلالت بر یک امر اجتماعی دارد.

افسانه سلیم‌بیاتی با رویگری اجتماعی و انتقادی در اثری با عنوان «قربانی» به موضوعی می‌پردازد که به عنوان یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی در بسیاری از جوامع انسانی مورد انتقاد قرار گرفته است. او

در این اثر با اشاره به پدیده کودک‌همسری به بازنمایی سفره عقد در قالب اثری چیدمانی پرداخته است. او سعی دارد با انتقاد به سفره‌های عقدی که زود هنگام برای کودکان گسترانیده می‌شود این پدیده را به چالش بکشد و توجه‌ها را به سفره‌هایی جلب کند که پیش از موعد و نابهنجار هستند. این اثر متعلق به مجموعه‌ای از همین هنرمند با همین عنوان است.

در ادامه ضروری‌ست به دو اثر اشاره کنم که در آن کمی متفاوت‌تر به موضوع سفره پرداخته شده است. در این دو اثر هر دو هنرمند به تولید دو سفره جدید اهتمام ورزیده‌اند و می‌توان آنها را زین پس در دسته‌بندی انواع سفره‌ها به‌ویژه در دوران معاصر قلمداد کرد. یکی از آنها اثر آناهیتا هاشمی‌مقدم با عنوان «کشتگاه»، به موضوع خون پرداخته است؛ در حقیقت خون به عنوان عنصری ثابت و واحد در تمام موجودات زنده به مثابه همان سفره‌ای است که برای همه موجودات در طبیعت گسترانیده شده است. آیتا با توجه دادن مخاطب به موضوع خون سعی در بازنمایی موضوعی فرای ظواهر امر دارد او به آن چیزی اشاره می‌کند که پس از گسترانیدن سفره در بدن موجود زنده پدید می‌آید. او خون را استعاره‌ای از بودن، وجود داشتن، خوردن و آشامیدن و جمعی زندگی کردن می‌داند. موضوعی که استثنایی ندارد و برای همه موجودات زنده یکسان است. پس اگر سفره‌ای گسترانیده می‌شود هدف اساسی آن تأمین جریانی از زندگی است که در رگ‌های همه موجودات باید جاری شود و ضرورت آن اولویت اول زیست هر زنده‌ای است. در دیگر اثر از سارا ساسانی با «نا-بود»، هنرمند دست به بازنمایی و ایجاد سفره‌ای می‌زند که تا چهار سال گذشته وجود نداشته است؛ او در این اثر با چیدمان میزی به رنگ سیاه و دو بشقاب چیده شده بر آن غنی شده از واکسن‌های کوید-۱۹ سعی در نشان دادن ضرورت انجام امری را دارد که در موقع حساس صورت پذیرفته و حاصل این اعمال و قصور جانباختن هزاران انسانی است که درد جانکاه و ویروس کرونا را طاقت نیاوردند و جان باختند. در پس‌زمینه این اثر تصاویر تعدادی از جانباختگان که هنرمند به صورت تعاملی از سوی مخاطبان جمع‌آوری کرده است دیده می‌شود. تأخیر در ورود واکسن به کشور مانع از نشستن افراد زیادی بر سر سفره‌ای شد که پس از شیوع همه‌گیری کرونا گسترانیده شد و همین امر دلیل فقدان و نیستی بسیاری از مهمانان این سفره نوپدید شده است.

مجموعه سفره، پس از دستکم سه سال پژوهش و تولید آثاری کیوریتوریال به مهمی پرداخته است که آن را بسیار پراهمیت‌تر از صرفاً نمایش آثاری در یک گالری (Cube Box) می‌کند. این پروژه در نهاد خود به موضوعی متعلق به فرهنگ می‌پردازد که بخش بزرگی از هویت جمعی یک ملت را شامل می‌شود و همچون گوشه‌ها و تاقچه‌های یادگاری در خانه‌ها، نباید تنها به یادگار بماند و خاک بخورد باید به آن پرداخته

و باز پرداخته شود و توسط افراد و هنرمندان مختلف بازنویسی و بازنمایی شود تا از برکت آن کم نشود و همیشه در فرهنگ بماند و آبروی آن حفظ شود.

سارا ساسانی- اسفند ۱۴۰۲